

شهیده سیده بشری
حسینی خامنه ای

روایت مادری که در گمنامی زیست
بانوی تراز انقلاب اسلامی ایران

ناصر کاوه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّمَا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ (١) فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ (٢) إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ (٣)







شهیده سیده بشری حسینی خامنه‌ای: الگوی گمنامی و ایثار

حیات در گمنامی و عطر اخلاص

ایشان مادری بود که در نهایت تواضع، زیست گمنامانه را برگزید و نماد "خاموشی روشن" در خدمت شد.

بانوی تراز انقلاب اسلامی ایران

الگوی تمام عیار خدمت بی ادعا و حضور عمیق در قلب‌ها بدون وابستگی به نام و نشان.

خدمت بی ادعا در آستانه خورشید

تجلی ایثار و فداکاری که حیاتش با معنویت و انس با شعائر مذهبی گره خورده بود.

بازه‌ی حیات برکت‌بار: ۱۳۵۹ تا ۱۴۰۴

بیش از چهار دهه زندگی مجاهدانه که با شهادت در راه آرمان‌ها به کمال رسید.

وداع میلیون‌ها و تشییع تاریخی

حضور حماسی و متراکم مردم در مراسم وداع. نشان دهنده پیوند عمیق ملت با خادمان گمنام خویش است.

نخستین زائران اربعین در آغوش سیدالشهدا

پیکر ایشان در کنار دیگر شهدا، با پرچم مقدس ایران و در فضایی معنوی به خاک سپرده شد.

این کتاب تقدیم می‌شود

به ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین) امامین انقلاب، امام خمینی (ره) و شهید سید علی خامنه ای، شهدا از صدر اسلام تا شهدای رمضان

بشری، همسر محمدجواد محمدی گلپایگانی و مادر دختری به نام زهرا بود، که خدا تقدیر کرد که مادر و دختر هر دو با هم رفتند. او «گوش شنوای مردم» بود؛ به خانواده‌های شهدا گوش می‌داد، درد مراجعه‌کنندگان را می‌شنید، و در حد توان پی می‌گرفت. در واپسین ماه‌های زندگی، به بالین مادر بیمارش بازگشت. این «آخرین جرعه» بود؛ خدمتی که تا پایان، بی‌وقفه، جاری ماند. او از تعلق به مقام آزاد بود. خدمتش رنگ منت یا نمایش نداشت. او را «خادم بی‌نام کوی دوست» و «سقای بی‌نام» خوانده‌اند. با هزینه شخصی سفر می‌کرد، از مسیرهای عادی استفاده می‌کرد، در صف‌های آخر می‌ایستاد، و پیشنهاد خدمت در روضه منوره را رد کرد تا فرصت به دیگران برسد. شیشه‌ای شکست و عطری که ماند. این جمله می‌تواند فهرست کوتاهی از تمام آنچه در این کتاب آمده باشد. روایت مادری که در گمنامی زیست، بانوی تراز انقلاب اسلامی ایران، شهیده سیده بشری حسینی خامنه ای، بانوی پرهیزگار و گمنامی که از او تصویری در دست نیست، اما رد پایش در آب، در خاک، در گلاب و در سکوت صف‌های که برای دیدنش به دارالذکر امام رضا علیه السلام می‌آیند، باقی مانده است. اگر این کتاب پیامی داشته باشد، همین است: **"عطر حقیقی نیازی به نمایش شیشه ندارد؛ کافی است روزی شیشه عطر بشکند، او خود به خود دنیا را معطر می‌کند"**

«کتاب تصویری : روایت مادری که در گمنامی زیست»

شهیده سیده بشری حسینی خامنه ای

نویسنده : ناصرکاوه

هوش مصنوعی ، گرافیک و طراح : علی کربلانی
مشاور طرح ، رسانه و فضای مجازی : مهدی کاوه
ویراستار ، تایپ و حروف نگار : نرگس کاوه
روابط عمومی و پشتیبانی: فاطمه عاقلی
قیمت: صلوات بر محمد و آل محمد(ص)



شهیده سیده بُشری حُسینی خامنه‌ای: عطر گمنامی در آستانه خورشید



بخش اول:

ویژگی‌های شخصیتی و سبک زندگی



بانوی تراز انقلاب اسلامی

الگوی زنی که در عین حضور اجتماعی، ارزش‌های دینی و انقلابی را حفظ کرد.



حیات در کمال گمنامی

خدمت خالصانه و بی‌نام و نشان به جامعه، بدون وابستگی به شهرت.



خدمت بی‌ادعا و حضور در قلب‌ها

تجلی اخلاص در تمامی ابعاد زندگی که منجر منجر به محبوبیت مردمی گشت.



بخش دوم:

شکوه وداع و عروج ملکوتی



تجلیل میلیونی از مقام ایثار

حضور انبوه و حماسی مردم در مراسم تشییع پیکر در تهران.

وداع در بقاع متبرکه و حرم‌های مطهر

برگزاری مراسم وداع در فضاهای معنوی به عنوان نماد پیوند با اهل بیت.



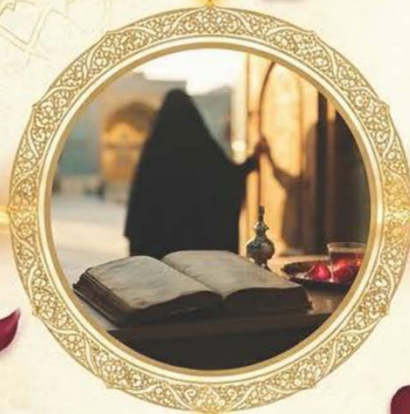
سال‌های حیات (۱۳۵۹ - ۱۴۰۴)

عمری کوتاه اما سرشار از برکت و ایستادگی بر سر آرمان‌ها.



رثای گمنامی در آستانه خورشید: کالبدشکافی حیات و عروج شهیده سیده بشری حسینی خامنه‌ای

مسیر کمال بانوی تراز انقلاب



اخلاص و بندگی

(پایه و اساس حیات در سایه عبودیت)



تربیت و ایثار

(پرورش نسل‌های انقلابی در دامن مهر)



شهادت و جاودانگی

(رسیدن به مقام قرب و تبدیل شدن به الگوی ملی)

بانوی تراز انقلاب اسلامی ایران

حضور در قلبها

خدمت بی ادعا

خاموشی روشن

قبله گاه جان

انس با کلام الله

حیات در سایه خورشید

زندگی او پیوندی ناگسستنی با معنویت داشت.
هر لحظه از حیات روزمره، تلاشی برای نزدیکتر
شدن به حریم یار بود.



«راز عکسی که هرگز نبود»

در عصر «اندلس سازی» و اقتصاد توجه، جایی که انسان به کالای «دیده شدن» بدل شده است، نبود حتی یک عکس از او در فضای رسانه‌ای تصادفی نبود. این فقدان تصویر، یک کنش رادیکال و بلندترین فریاد او بود.

پیامبر اکرم (ص): «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَخْفَاهَا»
(برترین اعمال، پنهان‌ترین آن‌هاست).

خلوتگاه نور: تولد یک حماسه در سکوت

قدرت حقیقی در بطن انقلاب اسلامی همواره با فریاد
آغاز نمی‌شود؛ بلکه در تاریکی شب‌های نیایش ریشه می‌دواند.
«بانوی تراز» با خدمت بی‌ادعا، حضور عمیق در قلب‌ها
و خاموشی روشن خود تعریف می‌گردد.

محو شدن در انوار الهی

حکمت و عطوفت



عصاره گمنامی

فداکاری‌های روزمره و پنهان

خلوص نیت و تقرب به حق

میراثی جاودانه که جهان
را عطرآگین می‌کند

«کیمیای گمنامی»

«گلبرگ‌ها»

اعمال روزمره خادمی پنهان،
جاروکشی، سقایی و تواضع عمیق.

«تقطیر (شکستن شیشه)»

شهادت. ایثار جان در راه خدا،
لحظه‌ای که کالبد فیزیکی شکسته
می‌شود تا جوهره آزاد گردد.

«حرارت و کوره»

فشار سهمگین «اقتصاد توهم» و انتخاب
آگاهانه برای مقاومت در برابر دیده شدن.

«عطر جاودان»

«نسیم آگاه». میراث ابدی که کالبد
جبهه مقاومت را حیات می‌بخشد.

کیمیای تقوا: دستگاه تقطیر روح

ماده خام (گلبرگ‌ها): ایثار، صبر، و خدمت خاموش مادرانه.

کوره ابتلا (حرارت مقدر): رنج‌های دنیا و آزمون‌های الهی که خلوص را می‌سنجند.

عصاره گمنامی (عطر ماندگار): روحی که از کالبد مادی رها شده و آماده است تا در کالبد یک ملت دمیده شود.

گمنامی، فقدان هویت نیست؛ بلکه بالاترین سطح خلوص است که پس از سوختن در آتش عشق به جا می‌ماند.



«اقتصاد توهم»



ارزش‌گذاری: دیده شدن، لایک، برندسازی



ابزار: نمایش و منیت



سرانجام: فراموشی در بازار کالاها



«مکتب گمنامی»



ارزش‌گذاری: بیمه اصالت روح



ابزار: انقطاع و خدمت پنهان



سرانجام: جاودانگی و سیمرغ آگاهی

حافظ

«بیرون کشید باید از این ورطه رخت خویش...»

«توهم چشید رخت از این ورطه رخت خویش...»

حافظ

فصل اول: مکتب خانه «نه»

1

تولد در طوفان

۱۳۵۹. خانه‌ای که در آن بوی کتاب با باروت دفاع مقدس در هم آمیخته بود.

2

نفی انتساب

«آقازادگی» نه یک امتیاز، بلکه بار سنگین مسئولیت بود. قانون نانوشته: همچون مردم عادی رشد کنید.

3

ادب پیش از نام

پرورش یافته با قصه‌های آذری یزدی؛ فرهنگی که در آن تواضع بر هر نسب و مقامی پیشی می‌گرفت.

پدر به جای هدیه دادن جایگاه، از فرزندان می‌خواست راه خود را با تلاش خود بسازند.

«فصل دوم: غبارروبی ذهن در دانشگاه»

ثبت نام

ثبت نام

ورود به دانشگاه تربیت مدرس (ادبیات فارسی)
تنها با نام «بشری حسینی».

لحظه آشکار شدن

لحظه آشکار شدن

دفاع پایان نامه. نام کامل او برای اولین بار قرائت می شود
و اساتید و دانشجویان را در حیرت از این بی منیتی محض
فرو می برد.

حجاب دانشگاهی (۳ سال)

سه سال اشتراک شعر حافظ، مولانا و نزار قبانی با
هم کلاسی ها؛ شناخته شده تنها با هوش و همدلی عمیقش.

دانشگاه برای او میدان فخرفروشی نبود، بلکه تمرین «حذف منیت» بود.

«فصل سوم: کالبدشکافی یک خادم بی نام»





فصل چهارم: مادری استراتژیک و گوش شنوای نظام

لنگرگاه خانه

همسر محمدجواد محمدی
گلیپایگانی و مادر زهرای ۱۴ ماهه.
او مادری را نه یک نمایش
عاطفی، بلکه یک مأموریت
تمدنی می‌داند.

لنگرگاه جامعه

در دیدارهای رهبری، با وجود
نوزاد، همواره آخرین نفری بود
که می‌رفت. او می‌ماند تا پای
صحبت مردم عادی و خانواده
شهادا بنشینند و «گوش شنوای»
خاموش اما همدل نظام باشد.

الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ
(بهشت را در خانه و در خدمت به خلق بنا کرد)

آغوش پر مهر، پرورش دهنده نسل آفتاب



مادری، تنها یک نقش نیست؛ بلکه انتقال روح
فداکاری و ایمان به نسل‌های آینده است.

مادری، تنها یک نقش نیست؛ بلکه انتقال روح
فداکاری و ایمان به نسل‌های آینده است.



فصل پنجم: عروج در طوفان

- تاریخ: ۹ اسفند ۱۴۰۴
- بستر تاریخی: در گرماگرم جنگ چهل روزه علیه
استکبار جهانی.
- عروج: شهادت در زیر بمباران، در کنار دختر
۱۴ ماهه اش، پدر بزرگوارش، و در حین انجام
آخرین خدمت به مادر بیمارش.

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا...

(هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده اند مرده مپندارید...)

عروج به آستانه خورشید



لحظه شهادت، پایان یک مسیر نیست، بلکه شکسته شدن ظرف و رهایی آن عطر محبوس است. سیده بشری حسینی خامنه‌ای در گمنامی زیست، اما عروجش نقطه‌ای آغاز تجلی آن روح پنهان در شریان‌های جامعه بود.

«آنان که در زمین گمنامند، در آسمان‌ها نامدارترین‌اند.»

آغاز حیات طیبه در
جوار رحمت الهی

پرواز کبوتران به سوی ابدیت عروج ملکوتی شهیده

پایان کالبد خاکی

حیات در گمنامی



عبادت پنهان

خدمت بی صدا

فداکاری فردی

بدرقه در شکوه



تکریم ملی

حضور میلیونی

عزای عمومی

عظمت در آسمان‌ها، ریشه در گمنامی زمین دارد

کالبدشکافی یک وداع ملی



۱ **لنگرگاه معنوی:**

مقصد نهایی و نماد پیوند با اهل بیت.

۲ **اقیانوس سوگواران:**

تجلی وحدت ملی و
ایستادگی یکپارچه ملت.

۳ **مسیر نور:**

شکافتن قلب جمعیت برای
عبور پیکرهای مطهر.

۴ **پرچم‌های یا حسین:**

پیوند ایدئولوژیک با مکتب شهادت.

کالبدشکافی یک پدیده شگرف



○ مرکز ثقل معنوی:
تابوت‌ها به عنوان آهن‌ربای
روحانی که میلیون‌ها
قلب را هم‌سو می‌کنند.

○ رایت سرخ خونخواهی:
نماد پیوند شهادت
معاصر با حماسه‌ی
تاریخی کربلا.

○ موج بی‌قرار انسانی:
اراده‌ی جمعی برای لمس
قداست و بیعت با مسیر
شهادت.

بیعت: پیوند دست‌ها و تابوت‌ها

در میانه‌ی هیاهو و سیل جمعیت، هر
دستِ برافراشته، یک پیمانِ فردی است.
این سوگواری منفعلانه نیست؛ یک
بیعتِ فعال و پرحرارت است.

✧ تمنای تبرک

✧ تجدید عهد با آرمان‌ها

✧ ادامه دادن راهی که در سکوت آغاز شد



اقیانوسی از غیرت و ایمان

این حضور، تنها یک تشییع جنازه نیست؛ بلکه
رفراندومی از جنس اشک و عقیده است که وفاداری
ملت را به آرمان‌های شهدا فریاد می‌زند.

حضور میلیونی ملت ایران





حماسه حضور: تجلی عصاره دررگ‌های جامعه

آنچه در خلوتِ مادرانی چون بشری تقطیر شد، اکنون در خیابان‌ها به سیلابی از اراده تبدیل شده است. این میلیون‌ها نفر، تنها برای سوگواری نیامده‌اند؛ آن‌ها تجلی فیزیکی همان روح پنهانی هستند که سال‌ها در گمنامی پرورش یافت.

تغییر مقیاس از «یک نفر» در محراب، به «میلیون‌ها نفر» در میدان.

از قطره تا اقیانوس: دیالکتیک گمنامی و تجلی

سرچشمه (مادر)

- ◆ گمنام و بی‌نشان
- ◆ سکوت مطلق و نیایش
- ◆ نور باطنی و فردی

تجلی (امت)

- ◆ آشکار در چشم جهانیان
- ◆ خروش میلیونی و شعار
- ◆ قدرت عظیم اجتماعی

بزرگترین حماسه‌های یک انقلاب، زاده‌ی آرام‌ترین نجواهای مادران آن است. این دو تصویر، دو روی یک سکه‌اند.

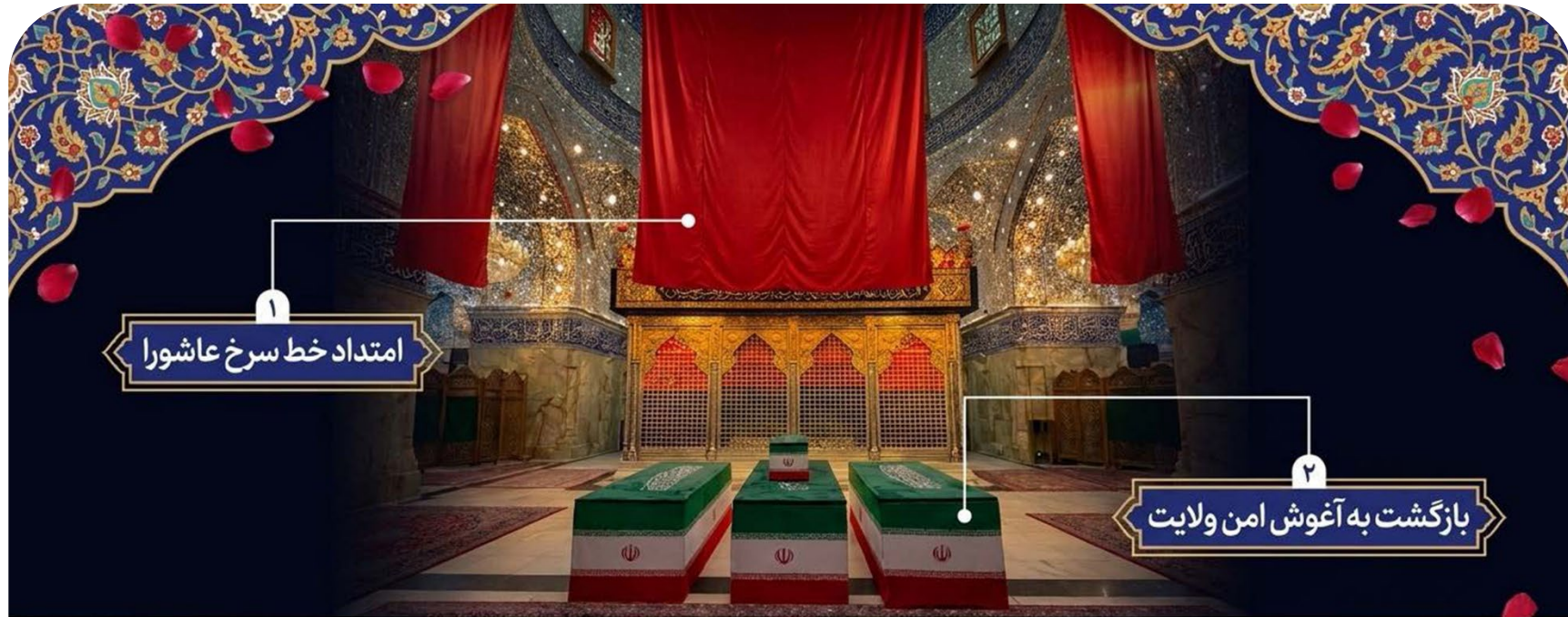
تاج افتخار بر سر مام وطن

پرچم سه رنگ ایران، نه تنها کفن، بلکه نماد والاترین درجه افتخار برای کسانی است که هستی خود را فدای امنیت و اعتلای کشور کردند. ادای احترام رسمی، تجلی قدرشناسی یک تاریخ است.



حضور میلیونی ملت ایران

حضور میلیونی ملت ایران



آرامش در حریم ثارالله

مسیر نور: طواف در حریم ولایت



حرم امام حسین (ع):

بازگشت به سرچشمه‌ی عاشورا و
تجدید عهد با خون ثارالله.



حرم امام رضا (ع):

طواف در حریم امن ولایت و پناه
گرفتن در سایه شمس الشموس.



محراب تجلیل رسمی:

وداع باوقار یک ملت با پیکرهایی
پیکرهایی که پرچم سه رنگ را به
عنوان کفن برگزیدند.

پیکر شهدا پیش از پیوستن به خاک، یک جغرافیای روحانی را طی می‌کنند
تا قداست حرم‌ها را به خیابان‌های شهر پیوند دهند.



میراثی از جنس عطر گل سرخ



سیده بشری حسینی خامنه‌ای شاید در صفحات تاریخ بدون چهره باقی بماند، اما جوهره‌ی وجودی او در تار و پود این انقلاب تنیده شده است. گمنامی، فقدان او نبود؛ بلکه پیروزی نهایی او بود.

برای درک عمیق‌تر این مسیر سلوک، به کتاب «روایت مادری که در گمنامی زیست» مراجعه کنید. اثر ناصر کاوه.



میراث سیمغ: نسیم آگاه

او ثابت کرد که اصالتِ «بودن» برای همیشه بر وسوسهٔ «دیده شدن» پیروز است. او و زهرای کوچکش، برای همیشه در رواق دارالذکر و در همسایگی امام رضا (ع)، نمادهای جاودانه حیا، مظلومیت و مقاومت باقی خواهند ماند.

بعضی‌ها را نباید
عکس گرفت، باید
در دل نکه داشت.

صلوات بر محمد و آل محمد (ص) | نماد مظلومیت، حیا و ایثار

مجله زن و مرد (41) | بهار و تابستان ۱۳۹۸



روایت مادری که در گمنامی زیست _ ناصرکاوه



پایان گمنامی، آغاز یک حماسه

نامی که در زمین پنهان بود، اکنون بر فراز آسمان ها و در قلب یک ملت می درخشد.

